**ماوراءالنهر، افغان و هند در قرن نهم هجری**

**نویسنده : آل داود، سید علی**

نصرت‏نامه ترخان. سید میرمحمّد بن بایزید پورانی. به تصحیح دکتر انصار زاهدخان. کراچی. انجمن مطالعات آسیای میانه و شرقی دانشگاه کراچی. 2000 میلادی. 496 + 64 ص + 10 ص تصویر.

نصرت‏نامه ترخان از جمله کتابهای تاریخی مهمی است که جزئیات حوادث و رخدادهای تاریخی سده نهم و اوایل سده دهم مناطقی چون ماوراءالنهر، افغانستان، سند و هند در آن مندرج است. این کتاب ناشناخته اثر مؤلفی به نام محمد بن بایزید پورانی، از نزدیکان امیران الوس ترخان و ارغون، است. وی که مورد حمایت برخی از امیران این طوایف چون میرزا محمدعیسی خان و فرزندش میرزامحمد صالح خان بود، از دودمانی شناخته شده بوده و به قراری که از جدول انساب این دودمان که در پایان کتاب درج شده برمی‏آید، در میان اجداد و همچنین اعقاب وی افراد شناخته شده فراوان بوده‏اند. براساس اطلاعاتی که دکتر محمدسلیم اختر به دست می‏دهد، بازماندگان مؤلف هنوز هم در منطقه سند زندگی می‏کنند و خود را به وی منسوب می‏دارند.(1)

نصرت‏نامه از جمله تألیفات تاریخی مهم زبان فارسی است که در آن رخدادهای هند و آسیای میانه به تفصیل بیان شده است. در باب این ناحیه آثار تاریخی فراوان نیست، گو آنکه بخشهایی از کتاب مهم تاریخ الفی همانند این اثر به تاریخ ناحیه مزبور تعلق دارد.

نصرت‏نامه حاوی یک مقدمه و چهار مقصد است. یک فصل

حاشیه:

1) برخی اطلاعات مندرج در این مقاله از نوشته آقای دکتر محمدسلیم اختر استاد پیشین زبان اردو در دانشگاه تهران در نقد نصرت‏نامه برگرفته شده است. این مقاله را نامبرده به زبان اردو نوشته و تحت عنوان «انتقادی مقاله» در مجله فکر و نظر از انتشارات اداره تحقیقات اسلامی در اسلام‏آباد [جلد 39، شماره 3، ژانویه 2002 م] به چاپ رسانده است. نگارنده سپاسگزار خانم مریم ناطق شریف است که برخی مطالب لازم را از اردو به فارسی ترجمه نمود.

پیش از مقدمه هم وجود دارد که ورق اوّل آن از نسخه خطی ساقط شده و بقیه آن مطالبی در باب مؤلف، امیری که کتاب به نام او نوشته شده و پاره‏ای اطلاعات متفرقه دیگر است. کتاب به میرزا محمدعیسی خان، یکی از امرای الوس ارغون و ترخان، اهدا شده است. مؤلف ظاهرا در دستگاه دیوانی این امیر اشتغال داشته و مستمری‏بگیر بوده و صفحاتی از این بخش مختص حالات او و اشعاری در مدح وی است. همچنین از فرزند او محمدصالح‏خان ترخان ذکری به میان آورده است. این محمدصالح خان خود طبع شعر داشته و مؤلف برخی اشعار او را به‏عنوان نمونه نقل کرده است.

مؤلف در این بخش همچنین تعدادی از منابع خود را برشمرده و مطالبی در منقبت خلفای راشدین و ائمه اطهار آورده و معلوم می‏شود که او در مذهب تسنن کاملاً میانه‏رو بوده و اشعاری از این قبیل هم سروده است:

ببین که با دو جگرگوشه رسول چه رفت

فغان ز دست جفاهای چرخ بوقلمون

یکی ز ساغر گردون چشید شربت زهر

یکی ز جام شهادت کشید جرعه خون

پس از آن، مؤلف به ذکر دلایل تاریخ‏نگاری خود پرداخته و ترغیب میرزا محمدعیسی و فرزندش میرزا محمدصالح خان را از جمله دلایل اصلی تدوین این کتاب برشمرده و چنین نوشته است: «... چون الوس ارغون و ترخان را ابا عن جد طریق اخلاص و اعتقاد به اجداد این فقیر بود و قریب پنجاه سال بود که در جوار عاطفت امرا و سلاطین ارغون و ترخان به سر برده بودیم، و از حکام و سلاطین سابق اثر نماند، و الی غایت کسی به نوشتن تواریخ ایشان مبادرت ننموده بود، اضعف عباداللّه‏ الملک الغنی محمد بن بایزید ابی‏سعید الپورانی هرچند بر اسرار صناعت انشاء اطلاع نیافته [و [بر آثار منشیان فضیلت انتما نشتافته، در فکر آن شدم که کیفیت آن جماعت را در سلک تحریر درآورد، و از جلوس حضرت نوّاب گردون جناب سلطنت و خلافت پناهی... میرزا محمدعیسی ترخان... الی یوم‏الدین [کذا] شمّه نوشته شود و چند داستان نوشته بود که به ذروه عرض رساند که در خلال این حال حضرت شاهزاده... ابوالفتح میرزا محمدصالح‏خان بهادر... از قصبه نصرپور روی معاودت به مستقر سریر سلطنت و خلافت نهاد، از روی لطف و احسان و شفقت و امتنان آن شاهزاده عالمیان تعریف فرموده... حکم فرمود و به تسوید و ترتیب آن مبادرت نمود... .»(2)

اصل کتاب شامل یک مقدمه و چهار مقصد است: از مقدمه که «در اموری چند» است که «دانستن آن ضروری» است، مصحح بخش اول را که مختص تاریخ انبیا از آدم تا حضرت محمد (ص) است حذف کرده است. مقصد اوّل: رخدادهای عصر امیر ذوالنون بیگ ارغون؛ مقصد دوم: حوادث عصر شاه شجاع بیگ ارغون و میرزا محمد مقیم؛ مقصد سوم: وقایع دوران نواب میرزا شاه حسن غازی؛ مقصد چهارم: تاریخ عصر مؤلف یعنی حوادث دوران میرزا محمدعیسی ترخان و این مقصد حاوی دو مقاله است: 1) در ذکر حوادث تا تاریخ تألیف کتاب؛ 2) ذکر حوادث پس از آن، و لابد منظور وی آن بوده که حوادث تاریخ را به‏تدریج به کتاب خود بیفزاید.

این کتاب در باب حوادث اوایل عصر بابریان، بخصوص نبردهای ظهیرالدین محمدبابر با منازعان و رقیبان خود از جمله مآخذ مهم و در زمره منابع معتبر و قابل‏استناد است. نثر فارسی کتاب مصنوع و متکلّف و دشوار و آمیخته با نظم است. جملات آن طولانی است و گاه فهم آن مشکل است. مطالب اغراق‏آمیز و پرتعارف در آن بسیار دیده می‏شود. بنابراین مطالب اصلی تاریخی در آن اندک است و می‏توان با حذف زوائد حداکثر صد صفحه مطلب مهم از آن استخراج نمود و جداگانه انتشار داد.

اشعاری که مؤلف به‏عنوان شاهد آورده بالنسبه فراوان است و احتمالاً برخی سروده خود اوست، و اگر این حدس صحیح باشد در مجموع می‏توان شعر او را بر نثرش رجحان داد.

از نصرت‏نامه ترخان تنها یک نسخه خطی بالنسبه مغلوط در دست است. این نسخه یگانه به شماره 146 «مخطوطات فارسیه» در دانشگاه علیگر هند نگهداری می‏شود و در سال 1061 ق . کتابت شده است(3). در این دست‏نویس اغلاط فاحش فراوان است و معلوم می‏شود که کاتب از سواد فارسی بهره چندانی نداشته و برخی کلمات را نقاشی کرده است. از این نسخه چند دهه پیش آنه ماری شیمل، ایران‏شناس آلمانی، میکروفیلمی تهیه کرد و آن را برای تصحیح و انتشار به حسام‏الدین راشدی دانشمند برجسته پاکستانی سپرد، اما عمر راشدی برای انجام این کار کفاف نداد و مدتی بعد درگذشت. راشدی ظاهرا در اواخر زندگی نسخه مذکور را به مصحح فعلی کتاب برای انتشار واگذار کرد و وی پس از مدتی کار روی کتاب آن را با مقدمه‏ای مفصل به انگلیسی منتشر

حاشیه:

2) نصرت‏نامه ترخان، ص 23 و 24.

3) فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1375 ش، ج 2، ص 1357.

ساخته است. متن چاپ‏شده مشتمل بر قسمتهای زیر است: از ابتدا تا صفحه 438 متن فارسی کتاب، از ص 438 تا 493 یادداشتهای تاریخی و جغرافیایی به زبان انگلیسی، و مقدمه‏های مصحح و دکتر ریاض‏الاسلام هر دو به انگلیسی. بخش دیگر کتاب معرفی منابع و مراجع و چند صفحه تصویر نسخه خطی و چند عکس از مقابر خانوادگی مؤلف کتاب است که مصحح آنها را گرد آورده است.

مقدمه مصحح به‏ویژه از حیث اشتمال بر اطلاعاتی درباب مؤلف و خاندان او بسیار سودمند است. اما از جنبه‏های دیگر کمبودهایی در آن دیده می‏شود. کتاب متأسفانه فاقد فهرست مطالب و فهرست راهنماست و تصاویر انتخاب شده هم زیرنویس ندارد.

به‏رغم همه اشکالاتی که ممکن است بر متن انتشاریافته فعلی وارد باشد، نمی‏توان کوشش مصحح را در تصحیح این متن مشکل و آن هم بر اساس نسخه مغلوط منحصربه‏فرد قدر ننهاد. وی به‏رغم محدودیت منابع و شاید عدم‏تسلط کافی بر زبان فارسی توفیق انتشار این اثر مهم را یافته و از این رو باید برای دانشمند نامبرده آرزوی توفیق نمود و امیدوار بود که در آینده نسخه یا نسخه‏های دیگری از این کتاب به دست آید و به همت ایشان بار دیگر به صورت منقّح‏تری منتشر شود.